

به نام پروردگاریکتا

**رابطه نظریه و عمل**  
**از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی**

از مجموعه پژوهش‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی»

عماد افروغ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

### رابطه نظریه و عمل از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی

مؤلف: عماد افروغ

همکاران: حسن عبدی، مهدی رجبی، مهدی سلطانی، سید محمدرضا

امیری طهرانی، میثم واتقی و مهدی امامی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: مونا رجبیه فرد

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۱۵۲،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: افروغ، عماد، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: رابطه نظریه و عمل از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی/عماد افروغ  
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۸۴۶ ص.

فروست: ... مجموعه پروژه‌های «طرح جامع اعتلای علوم انسانی».

شابک: 978-622-6304-91-7

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۸۰۲-۷۸۵.

موضوع: نظریه، موضوع: (Theory (Philosophy

موضوع: فعل (فلسفه)، موضوع: (Act (Philosophy

موضوع: اثبات‌گرایی منطقی، موضوع: Logical positivism

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: B۸۴۲

رده بندی دیویی: ۱۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۴۱۴۱۰

وضعیت رکورد: فیبا

## فهرست

۹	سخن پژوهشگاه
۱۳	مقدمه
۷۱	سخن پایانی
	دفتر اول: رابطه نظر و عمل از منظر حکمای باستان و اسلامی
۷۶	چیستی نظر و رابطه آن با عمل در یونان باستان
۷۶	مقدمه
۷۶	خاستگاه تفکر و اندیشه
۷۷	موقعیت یونان باستان
۷۹	وضعیت سیاسی - اجتماعی یونان باستان
۸۲	پیشاسقراطیان
۸۷	سقراط و افلاطون
۱۰۰	ارسطو
۱۰۲	جمع بندی
۱۰۳	منابع
۱۰۶	بررسی رابطه نظر و عمل در دیدگاه فارابی
۱۰۶	مقدمه
۱۰۸	رابطه قوای نظری و عملی (نسبت علم و اراده)
۱۱۲	ارتباط دیالکتیکی قوای نظری و عملی
۱۱۶	رابطه علم و فضیلت اخلاقی
۱۲۰	نسبت حکمت نظری و حکمت عملی

۴ رابطه نظریه و عمل، از حکمای باستان ...

۱۲۸	نسبت واقعیت و ارزش (رابطه هست و باید)
۱۳۱	رابطه شناخت جهان و تغییر جهان
۱۴۵	جمع‌بندی
۱۴۶	منابع
۱۴۸	مناسبات نظر و عمل [نظریه و عمل] از منظر ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	تعریف فلسفه
۱۵۱	اصالت وجود
۱۵۴	تشکیک در هستی
۱۵۶	وجود ذهنی و وجود علم
۱۶۰	وجود حقیقی و اعتباری
۱۶۸	انواع عقل
۱۶۹	عالم مثال
۱۷۵	عالم طبیعت
۱۸۵	علیت
۱۹۰	نظام معنایی اعتباری و انسان
۲۱۳	منطق مفاهیم اعتباری
۲۲۴	جمع‌بندی
۲۲۸	منابع
۲۳۰	تحلیل رابطه میان نظر و عمل با تأکید بر آرای علامه طباطبایی
۲۳۰	مقدمه
۲۳۲	مبانی نظری مسئله نظر و عمل
۲۳۹	مفهوم‌شناسی نظر و عمل
۲۴۵	دیدگاه‌ها درباره نسبت نظر و عمل
۲۴۸	تحلیل رابطه نظر و عمل
۲۵۳	نقش قوای تحریکی
۲۵۸	نقش فطرت

## فهرست ۵

۲۶۱	نقش تشویق و تنبیه
۲۶۲	نقش اعتباریات
۲۷۱	نقش قضا و قدر الهی
۲۷۳	تحلیل عوامل گسست نظر و عمل
۲۷۶	جمع بندی
۲۸۰	منابع

## دفتر دوم: نقد دوگانگی نظر و عمل در فلسفه علم پوزیتیویستی

۲۸۶	مقدمه
۲۸۹	مسئله استقرا
۲۹۱	قراردادگرایی
۲۹۲	مسئله قراردادگرایی
۲۹۴	قراردادگرایی به مثابه ایمان گرایی
۲۹۷	ساخت گرایی
۲۹۸	کنش و حرکت
۳۰۱	ساخت منطقی جهان
۳۰۹	تقلیل گرایی
۳۱۱	برهه فرافلسفی
۳۲۴	تحلیل مفهومی و زبان کنش
۳۴۱	غایت انگاری جدید
۳۶۳	نقد دوگانگی جدید
۳۶۵	فرضیه جایگزینی
۳۸۵	جمع بندی
۳۹۸	منابع

## دفتر سوم: دوگانه عمل و نظر در اندیشه دیلتای و گادامر

۴۰۴	مقدمه
۴۰۹	دیلتای

۶ رابطه نظریه و عمل، از حکمای باستان ...

۴۱۰	دیلتای و جمع میان تجربه‌گرایی و تاریخ‌گرایی
۴۱۶	کوشش برای بنیان‌نهادن علوم انسانی
۴۲۵	دوگانه عمل و نظر در اندیشه دیلتای
۴۳۵	جمع‌بندی
۴۳۷	گادامر
۴۳۸	مواجهه گادامر با سنت‌های فلسفی پیشین
۴۵۰	دوگانه نظر و عمل
۴۶۵	جمع‌بندی
۴۶۷	منابع

دفتر چهارم: رابطه نظریه و عمل در دیدگاه نظریه انتقادی و رئالیسم انتقادی

۴۷۰	دیالکتیک نظریه و عمل در اندیشه نسل اول مکتب فرانکفورت
۴۷۰	مقدمه
۴۷۱	موقف تاریخی مکتب فرانکفورت
۴۸۷	موقف نظری مکتب فرانکفورت
۴۹۷	بحران عقلانیت
۵۰۵	تحلیل مکتب فرانکفورت از دگرذیسی و ویرانی خرد‌رهای بخش
۵۲۰	نجات خرد «نااین‌همانی»
۵۲۳	از خودبیگانگی
۵۲۶	دیالکتیک
۵۳۷	جمع‌بندی
۵۴۰	منابع
۵۴۲	رابطه نظریه و عمل از دیدگاه یورگن هابرماس
۵۴۲	مقدمه
۵۴۹	نظریه و عمل
۵۶۲	کنش و گفتمان
۵۶۳	عینیت معرفت و علاقه

فهرست ۷

۵۷۰	منطق علوم اجتماعی
۵۷۱	معرفت و علایق بشری
۵۹۵	جمع‌بندی
۶۰۳	منابع
۶۰۴	رابطه نظریه و عمل از دیدگاه رئالیسم انتقادی
۶۰۴	مقدمه
۶۰۵	مضامین و پیش‌فرض‌های اصلی رئالیسم انتقادی
۶۱۴	پیش‌فرض‌های علوم اجتماعی رئالیسم انتقادی
۶۱۶	رابطه نظریه و عمل در معرفت‌شناسی طبیعی
۶۱۹	رابطه نظریه و عمل در معرفت‌شناسی اجتماعی
۶۵۴	نظریه نقد تبیینی
۶۶۸	رئالیسم انتقادی دیالکتیکی و رابطه نظریه و عمل
۶۸۳	نا - این‌همانی (بودن) و غیاب (شدن)
۶۸۶	بازخوانی دیالکتیک: کلیت، اخلاق و فرانقد
۶۹۳	غیاب
۷۰۱	کلیت
۷۱۹	دوگانگی، شکاف - در - دوگانگی و تغییر چشم‌انداز
۷۲۳	باز کلیت‌سازی: عام انضمامی
۷۲۶	فراخوانی عاملیت
۷۳۸	طبیعت‌گرایی اخلاقی: از واقعیات تا ارزش‌ها
۷۶۵	جمع‌بندی
۷۸۳	منابع
۷۸۵	منابع و مأخذ
۸۰۳	نمایه اسمی
۸۱۱	نمایه موضوعی





## سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و بر پایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان بر پایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول‌گرا و هم‌افزایانه شکل یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژه هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه‌نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به‌صورت کتاب آماده‌نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان

شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همه مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغه استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشه انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنای سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همه همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیته علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانه طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیه محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همه آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا

ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسینی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

## مقدمه

یکی از جریان‌های شناخت‌شناسی که از سده هفدهم و بر پایه یک هستی‌شناسی ثنویت‌گرا به تدریج در محافل علمی و متعاقباً در عرصه عمومی شکل گرفت و ابتدا عرصه شناخت‌شناسی طبیعی و متعاقباً عرصه معرفت‌شناسی اجتماعی را درنوردید و به خود اختصاص داد، جریانی است که درکل به‌عنوان «پوزیتیویسم» یا «رنالیسم تجربی» شناخته شده است. این جریان اهداف خود را در دو قالب به ظاهر متفاوت اما در باطن یکسان اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی پیش برده است.

نفسی ضرورت، تعاقب‌گرایی در علم و علیت، گرانش به تک‌ساحتی هستی‌شناختی و مغالطه معرفت‌شناختی و گرانش به انواع و اقسام دوتایی‌ها و دوگانگی‌ها مانند نظریه و مشاهده، نظریه و ارزش، نظریه و عمل، باور به بی‌طرفی زبان مشاهده و غفلت از بار مفهومی و زمینه‌ای مشاهده تجربی، تأکید بر وحدت علوم (طبیعی و انسانی - اجتماعی)، دوتایی تحلیلی - ترکیبی، تقارن تبیین و پیش‌بینی و غفلت از عالم باز طبیعی و اجتماعی و استقراگرایی و نگرش انسدادگونه و اتمیستیکی یا ذره‌ای به عالم از ویژگی‌های این جریان است. شاید مهم‌ترین مؤلفه آن، که محافل علمی کشور را درگیر کرده است، تقلیل واقعیت طبیعی و اجتماعی به وجه مشاهدتی آن و غفلت از غیرقابل تقلیل بودن جهان واقع به جهان تجربی، تسری پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی و غفلت از هرمنوتیک ساده در مطالعات طبیعی و هرمنوتیک مضاعف در مطالعات اجتماعی باشد. این غفلت بی‌توجهی به وجه زمینه‌ای و مفهوم محوری در علم و بی‌توجهی به ارزش‌بار بودن و دلالت ارزشی و عمل‌بار بودن و دلالت عملی نظریه را رقم زده است. ثمره این غفلت همراه با پشتوانه بی‌توجهی به نگرش منظومه‌ای و دیالکتیک در بعد

هستی‌شناسی و در نتیجه معرفت‌شناسی، غفلت از رابطه بین علم و جامعه و نگاه غیرکاربردی به علم است. این غفلت آنگاه بسیار جدی‌تر می‌شود که مدعی زبان حکایتگری<sup>۱</sup> محض در علم و غافل از زبان چگونگی<sup>۲</sup> و ساختن و ایجاد کردن علم می‌شود. هرچند نگاه طبیعت‌گرایانه این جریان به‌رغم مغالطه معرفتی آن از نقاط قوت آن محسوب می‌شود، بی‌توجهی به ارتباطات دیالکتیک مزبور از نقاط ضعف آن به‌شمار می‌رود؛ اینکه علم محصول و عملی اجتماعی و خواه‌ناخواه آمیخته با زمینه‌های زبانی و تعاملات ارتباطاتی است. به تعبیری زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی بر محتوای علم حتی علم طبیعی اثرگذارند و این گزاره درک‌ل تا حدودی زمینه را برای نوعی علم متناسب با شرایط محیطی و زیست‌جهانی مهیا می‌سازد. به‌رحال جریان مزبور به‌رغم کم‌رنگ شدن آن در محافل علمی غرب متأسفانه کماکان در محافل علمی کشور جولان می‌دهد.

این جریان قالب‌گرایانه، کمی و اثبات‌گرایانه حاکم بر نظام آموزش رسمی کشور می‌کوشد تا متأثر از نحله شناخت‌شناسی مزبور و بی‌توجه به زبان معطوف به چگونگی و ساختن و ایجاد کردن و با محوریت شاخص‌های کمی و محتواگریز، کشور را از به‌اصطلاح عقب‌ماندگی علمی نجات دهد.

بیگانگی با مباحث ظریف و پیچیده معرفت‌شناسی و به عبارتی فروافتادن در معرفت‌شناسی پوزیتیویسم و غفلت از نسبت علم با فرهنگ و جامعه، و سازوکارهای درونی پدیده‌ها اعم از طبیعی و اجتماعی باعث شده است تا اولاً، تلاش‌ها و آثار عمیق و سازنده غیراثبات‌گرایانه بسیاری از خردورزان و اندیشمندان داخلی نادیده یا به‌هیچ‌گرفته شود و ثانیاً، تمام انگیزه و تلاش دانشگاهیان به مسیر باریکی از معرفت‌های بشری به نام معرفت تجربی، آن هم با رویکرد خاص و ابزارها و شیوه‌های قالبی، هدایت شود.

ناآشنایی با نحله‌های معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی علم باعث شده است تا در عمل مراکز علمی ما تبدیل به حاشیه‌های علمی و فرهنگی این جریان

---

1. knowing that

2. knowing how

معرفت‌شناسی شوند و از نگاه‌های بومی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه خود بازمانند و حس غرور، جهت‌دار و صحیح‌ناشی از نگاهی نو و خلاق به پدیده‌ها و انگیزه‌ی طرحی نو درافکندن تحقیر و به‌عنوان پدیده‌ای مرضی تفسیر شود.

ناموزونی و گسست در عناصر نظام اجتماعی، اهداف و وسایل، بود و نمود و مینا و نما کاملاً مشهود است. در سطح هستی‌شناسی مباحثی طرح و از جامعه‌ای با فرهنگ و نیازهای خاص سخن گفته می‌شود، اما در فعالیت‌های علمی و تجربی از نحله‌ی هستی‌شناسی - معرفت‌شناسی پوزیتیویستی تبعیت می‌شود. نظام آموزش رسمی ما نیز با استفاده از فرصت‌ها و امکانات در اختیار، شاخص‌ها، امتیازات، پاداش‌ها و تنبیه‌های آموزشی خود را، آن‌هم به شکلی کاملاً قالبی، به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که حاشیه‌گرایی فوق‌تقویت شود.

به‌هرحال باید پذیرفت که گسست یا گسست‌های مزبور توجیه‌پذیر نیست. اگر قرار است پذیرای مطلق و بی‌چون‌وچرای علم و فناوری غرب و به این شکل رایجش باشیم، باید بی‌واسطه پذیرای معرفت‌شناسی تجربی و باواسطه پذیرای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی آن باشیم و اگر قرار است تابع معرفت‌شناسی طولی و هماهنگ باشیم و معرفت‌های حسی - تجربی، شهودی، عقلانی و وحیانی را در عرض یکدیگر ندانیم، باید برای دلالت عینی معرفت حسی و تجربی متناظر با آن چاره‌ای بیندیشیم. بسیار ساده‌اندیشانه است اگر معتقد باشیم که علم و فناوری مستقل از هرگونه معرفت‌شناسی یا معرفت‌شناسی تجربی و اثبات‌گرا مستقل از هرگونه هستی‌شناسی انسانی عمل می‌کند. عالم لایه‌های پیچیده، تودرتو و نوبه‌نوبی دارد که نمی‌توان مدعی فهم تمام لایه‌ها و ابعاد تودرتوی آن یک بار و برای همیشه بود. همواره می‌توان با تفکر و تأمل در هستی و نمودهای مختلف آن چیز تازه‌ای دید و کشف کرد.

عده‌ای سطحی‌نگر و مقلد در علم، هرچند پرمدعا، همواره کوشیده‌اند تا علم و تفکر را در قالب‌های بسیار خشک، محدود و تُنک محصور کنند و مانع از بروز و ظهور سخن تازه یا استماع آن شوند. البته هرچند باید قالب‌ها را شکست و به محتوا اصالت بخشید، به یک نکته باید در همه حال توجه داشت و آن اینکه آزادی

تفکر و قالب‌شکنی با محتوای عمیق و گسترده علم سنخیت دارد و برای دستیابی به این بحر بی‌کران علم است که دم از قالب‌شکنی می‌زنیم. در این بین هستند کسانی که از آزادی اندیشه و تفکر سخن می‌گویند اما متعلق آزادی اندیشه، یعنی علم را بسیار محدود و سطحی می‌دانند و برای بسط و توسعه این معرفت، آزادی اندیشه را قالب‌شکنانه مطرح می‌کنند. اینان هرچند قالب‌ها را شکسته‌اند، با القانات واهی محتوا را محدود و اندیشه را محصور کرده‌اند. به سخن دیگر، قالب‌شکنی و آزادی اندیشه برای رسیدن به محتوایی محدود؛ و آیا این به منزله محدود کردن اندیشه و در عمل نگاه قالبی به آن و در نتیجه نگاه قالبی به محتوا نیست؟! و کدام دردناک‌تر است: نگاه قالبی به محتوایی گسترده یا نگاهی غیرقالبی به محتوایی محدود؟ قالب‌گرایی شکلی اندیشه‌سوزتر است یا قالب‌گرایی محتوایی؟!

در برابر این رویکرد چه در فلسفه علم و چه در فلسفه علوم اجتماعی واکنش‌هایی ایجاد شده است. از واکنش‌های حاد و غیر شناخت‌گرایانه و ضد طبیعت‌گرایانه در علم‌شناسی طبیعی در قالب نسبی‌گرایی رادیکال (رویکرد امثال کوهن، فایرماند و ...) تا متعادل‌تر و شناخت‌گرایانه‌تر در قالب نگرش رئالیستی استعلایی و باور به ضرورت در طبیعت. در زمینه علوم اجتماعی نیز اشتراک‌گرایی و وحدت علوم و روش‌شناختی پوزیتیویستی به چالش کشیده شده است و از تفاوت‌گرایی محض در قالب رویکردهای هرمنوتیک تحلیلی (پیتر وینچ به تاسی از ویتگنشتاین) و قاره‌ای (شلایرماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر، ریکور، دریدا و ...) تا اشتراک‌گرایی - تفاوت‌گرایی رئالیسم انتقادی نوسان داشته است.

همان‌گونه که اشاره شد یکی از دوگانگی‌های جریان پوزیتیویسم، دوگانه یا شکاف نظر(یه) و عمل مرتبط با جدایی شناخته‌شده واقعیت و ارزش منسوب به دیوید هیوم، قطع نظر از ریشه‌های اندیشمندی و تاریخی آن است. البته دوگانگی نظر یا نظریه و عمل فقط یکی از دوگانه‌هایی است که بشر امروز، به‌ویژه پس از غلبه پوزیتیویسم، گرفتار آن شده است. دوگانگی ذهن و عین، انسان و طبیعت، علوم انسانی در برابر علوم طبیعی، بود و نمود و در نتیجه تفوق معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی، واقعیت و ارزش مرتبط با نظریه و عمل و نظریه و ارزش، نظریه و



مشاهده، علم و دین، علم و هنر، اخلاق و هنر، سیاست و اخلاق، سیاست و دین، علم و جامعه، فرد و جامعه و حقوق فردی و اجتماعی دوشادوش دوگانه‌های قدیمی تری از جمله عقل و عشق، عقل و دین، عشق و دین، حکمت نظری و حکمت عملی، دنیا و آخرت، خطا و صواب، خدا و انسان یا خدا و خلق برخی از این دوگانه‌های عمده‌ای است که از مسائل مبتلا به بشر به‌شمار می‌رود.

به هر حال فهم و تبیین رابطه نظریه و عمل کار ساده‌ای نیست. ممکن است در ابتدا این‌گونه تداعی شود که پرسش نظریه - عمل با توجه به زمینه فکری غالب فقط ناظر به پرسش معرفت‌شناسی، آن هم مربوط به اثبات‌گرایی، چه در موافقت و چه در مخالفت باشد. این پرسش دامنه و سطوح متفاوتی اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی یا عمل‌شناسی و اخلاق را دربرمی‌گیرد. این پرسش فقط محدود به قلمرو هر کدام از این ساحت‌ها نیست، بلکه در تفکری منظومه‌ای دامن‌ربط بین این ساحت‌ها را نیز شامل می‌شود. تفکیک نمود شکاف نظر (یه) و عمل در ساحت‌های مزبور نیز تنها در تحلیل و ذهن امکان‌پذیر است، در عمل درهم‌تنیدگی قلمروهای مزبور مانع از مرکزکشی دقیق بین آن‌ها می‌شود. به نظر راقم سطور، تنها با ذهنیت و روشی منظومه‌ای و دیالکتیک و ربط در عین تفاوت یا هم‌وقوعی اتصال در عین تمایز است که این درهم‌تنیدگی را می‌توان شکار و فهم کرد. شاید شناخته‌شده‌ترین شکاف بین نظر و عمل مربوط به حوزه اخلاق و رفتارهای انسانی باشد؛ اینکه در ظاهر یا در ذهن باور به چیزی داشته باشیم اما در عمل، بی‌عملی یا عمل متناقض داشته باشیم. در حوزه هستی‌شناسی اولاً، بی‌توجه به بُعد «شناسی» یا معرفت‌شناسی آن باشیم و ثانیاً، اسیر انواع دوگانگی‌هایی مثل هستی طبیعی و غیرطبیعی، هستی فردی و اجتماعی یا به عبارتی عاملیت و ساختار و به تعبیری بی‌توجه به هستی مشکک باشیم. در حوزه معرفت‌شناسی نیز غافل از وجه وجودی معرفت‌شناسی و جایگاه عمل در شناسایی اشیا و موضوعات مختلف باشیم. در حوزه عمل‌شناسی یا اخلاق‌شناسی نیز غافل از وجه وجودی و ربطی اخلاق و حوزه‌های وجودی و معرفتی اثرگذار بر اخلاق باشیم.

تمرکز اصلی این پژوهش واکاوی شکاف نظریه و عمل در رویکرد شناخت‌شناسی پوزیتیویسم با مرور بر رویکردهای رقیب و بدیل است. به تبع انتظار می‌رود که دفتر دوم تا چهارم این پژوهش بیشترین تناسب را با اهداف این اثر داشته باشند. در دفتر اول کوشیده‌ایم، برای مثال همانند توماس مک کارتی در بررسی دیدگاه هابرماس و برای نگاهی زمینه‌ای به سابقه بحث، سرخ‌هایی از این چالش با مرور بر آرای برخی اندیشمندان و فیلسوفان عهد باستان، و در کار ما فیلسوفان عهد باستان و اسلامی، و احتمالاً سرخ‌هایی برای پاسخ‌های نوین به دست دهیم. در انتخاب متفکران دفتر اول سعی شده است تا از بین اندیشمندان و فیلسوفان موضوع این دفتر متقدم‌ترین، اثرگذارترین و خلاق‌ترین آنان گلچین شوند. بایسته است که در پژوهش‌های بعدی آرای سایر متفکران این دوره نیز بررسی شوند. به هر حال به نظر می‌رسد دیدگاه حکمای باستان و اسلامی قطع نظر از ربط نظر و نظریه و با تأکید خاص بر سه حوزه دانش، اخلاق و مهارت یا به عبارتی اپیستمه، فرونیسیس و تخته بیشتر متمرکز بر رابطه نظر و عمل باشد تا نظریه و عمل. به هر حال پرسش رابطه نظریه و عمل، هر موضوعی اعم از طبیعی و غیرطبیعی، فردی و اجتماعی و هر معرفت‌شناسی و عملی را شامل می‌شود. نزدیک شدن به هر موضوعی و طبعاً نظریه‌پردازی درباره آن در هر سطح و عمقی نیازمند عمل و عناصر مرتبط زبانی، زمینه‌ای، ارتباطی، زمانی - مکانی، گزینشی، انگیزشی، علقه‌ای، هنجاری، و عملکردی و غیره آن است. بنابراین هر نظریه معرفت‌شناسی به نحوی از انحا درگیر پرسش رابطه نظریه - عمل است و باید برای آن پاسخی داشته باشد. اما آیا می‌توان فرض نظریه‌پردازی برای حوزه‌ای از موضوعات مبتلا به بشری را بدون وجه معرفت‌شناسی ممکن دانست؟ اصولاً نظریه‌ای را می‌توان بدون بار و دلالت یک معرفت‌شناسی موجه دانست؟ هر نظریه‌ای ناظر به موضوعی و طبعاً ناظر به وجهی معرفت‌شناختی و درگیر پرسش نظریه - عمل است. و اگر بگوییم هر نظریه‌ای یک نظریه معرفت‌شناسی و هر نظریه معرفت‌شناسی نظریه‌ای محتوایی است، بیراهه رفته و گزاف گفته‌ایم؟ آیا اصولاً می‌توان فکر و نظریه‌ای بدون موضوع داشت؟ و آیا این عبارت به معنای این همانی فکر و روش و موضوع است؟

آیا موضوع تعیین بخش فکر و روش است؟ نمی توان به رغم تفاوت قلمرو، وحدتی نیز بین آن‌ها برقرار کرد؟ کثرتی و وحدتی، انفصالی و اتصالی.

هر نظریه‌ای یک نظریه معرفتی است و طبعاً باید پاسخ‌گوی پرسش رابطه نظریه - عمل باشد. در واقع ما با سه‌گانه نظر، موضوع و عمل مواجهیم. موضوعی نباشد نظریه‌پردازی‌ای نیست، عمل نباشد نظریه‌ای شکل نمی‌گیرد. فکر و نظر و وجه من استعلایی و سوبرژگی نباشد، نظریه‌ای معرفتی شکل نمی‌گیرد. می‌توان به لحاظ مفهومی سه‌گانه‌ای از نظر و موضوع و عمل را لحاظ کرد و آن‌ها را منفک از یکدیگر دانست، اما در واقعیت نظریه‌پردازی و معرفت‌شناسی این سه با هم و در کنار هم‌اند. این سه قابل تقلیل به یکدیگر نیستند اما در تمام وجوه سه‌گانه، مرتبط با یکدیگر عمل می‌کنند. اگر شناخت از موضوعی هدف باشد، این شناخت بدون نظریه و عمل امکان‌پذیر نیست؛ اگر نظریه‌ای موضوع شناخت باشد، این شناخت بدون عمل و یک نظریه شناخت امکان‌پذیر نیست؛ و اگر عمل موضوع شناخت باشد، فهم آن بدون نظریه و نظریه معرفت‌شناسی امکان‌پذیر نیست.

شاید در حیطه علم حضوری بحث اتحاد علم و عالم و معلوم و با فرض حضور معلوم و نه تصویر آن نزد عالم و به معنای نوعی وحدت‌گرایی امکان‌پذیر باشد، که جای بحثش اینجا نیست، اما در حیطه فهم و تبیین پدیده‌های بیرونی و فیزیکی و مفهوم‌محور و مفهومی انسانی نمی‌توان از این اتحاد سخنی به میان آورد. ممکن است گفته شود که عالم مقوله‌ای حضوری، مثل یک احساس یا یک غریزه، برای شناخت آن از هیچ نظریه مفهوم‌محور و هیچ عملی استفاده نمی‌کند و به محض تفتن، که آن هم ناخودآگاه است، بین درک‌کننده و درک‌شونده و درک، اتحادی وجودی برقرار می‌شود. حالتی که در آن همواره اتحاد برقرار است و ما با مقوله‌ای به نام وحدت در عین کثرت مواجه نیستیم. هرچه هست وحدت است و فرض هرگونه سه‌گانه‌ای، اعم از تحلیلی و واقعی منتفی خواهد بود. برخلاف درک‌های حصولی که اگر اتحادی هم برقرار می‌شود، تنها در ذهن عالم است و نه اتحادی وجودی و حقیقی.

برای فهم دقیق رابطه نظریه و عمل به منظور نزدیک شدن به ساحت و افقی روشن تر در این زمینه، تحقیق خود را بر پایه شناخت پیشینی و طرح بدیع و اولیه‌ای که حاصل سه دهه تدریس و پژوهش در حوزه فلسفه علوم اجتماعی است به چهار بخش یا دفتر ۱. رابطه نظر و عمل از منظر حکمای باستان و اسلامی؛ ۲. نقد دوگانگی نظر و عمل در فلسفه علم پوزیتیویستی (نقد هرمنوتیک تحلیلی)؛ ۳. دوگانه نظر و عمل در اندیشه دیلتای و گادامر (نقد هرمنوتیک قاره‌ای)؛ و ۴. رابطه نظریه و عمل در دیدگاه نظریه انتقادی و رئالیسم انتقادی تقسیم کرده‌ایم. پژوهشگران و استادان فلسفه علوم اجتماعی به خوبی می‌دانند که اولاً این کار فاقد هرگونه پیشینه‌ای با این عنوان و گستردگی است، ثانیاً پرداختن تفصیلی به رابطه نظر و عمل پوزیتیویستی و نقدهای وارد بر آن بدون توجه به مضامین دفاتر چهارگانه و به ویژه سه دفتر اخیر، پردازشی ابتر و ناقص خواهد بود. به عبارت دیگر و در مجموع، مضامین دفاتر چهارگانه بیانگر جامعیتی در مواجهه انتقادی با مقوله مورد نظر است که در عین پیوستگی حاوی استقلال نسبی در نحوه پردازش نیز است.

در دفتر اول، آقایان حسن عبدی، مهدی رجبی و مهدی سلطانی کوشیده‌اند این دفتر را با مرور بر آرای حکمای باستان، فارابی و میراث فکری و تأثیر او بر بوعلی، ملاصدرا و علامه طباطبایی سامان دهند و بستر را برای فهم بهتر آرای اندیشمندان دفاتر بعدی فراهم کنند.

حسن عبدی در مقاله «چیستی نظر و رابطه آن با عمل در یونان باستان» به آرای پیشاسقراطیان، از جمله فیثاغوریان و متفکرانی چون هراکلیتوس و پارمنیدس و قبل از آن عقاید اساطیری حاکم اشاره کرده است. در این مقاله ضمن آنکه مشاهده می‌شود برخی پاسخ‌های مربوط به پرسش‌های اساسی و امروزی بشری ریشه کهن دارند، عطف به پرسش محوری تحقیق غالباً بر رابطه نظر و عمل متمرکزند تا نظریه و عمل. بماند که برخی پاسخ‌های مربوط به سایر دوتایی‌ها از جمله علم و جامعه و رگه‌هایی از جامعه‌شناسی معرفت همانند توجه به رابطه تفکر با وضعیت اجتماعی و خاستگاه زمینه‌ای نظر، توجه به وجه کارکردی و پاسخ‌گویی نظر و معرفت به نیازهای مختلف فردی و محیطی و نفی معرفت برای معرفت نیز مشهود است.